

تأثیر و تأثر متقابل فرهنگ و ادبیات در اشعار مقاومت بشری البستانی و طاهره صفارزاده

چکیده

بدون شک شعر و ادب فارسی و عربی از دیر باز با صور خیال درآمیخته و آشنا بوده است. صور بلاغی شامل تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه است و بیش از هزار سال است که شاعران را در شعر، با خود، آشنا و مأنوس ساخته است. در همه سبک‌های شعر کهن و معاصر، بسامد بالای کاربرد صور خیال را می‌توان مشاهده نمود. صور خیال یا همان تصاویر ادبی که به‌وسیله قوه خیال خلق می‌شوند به دو دسته صور مفرد و صور مرکب تقسیم می‌شوند. در پژوهش حاضر که با رهیافت توصیفی - تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است، ابتدا به تعریفی از ادبیات تطبیقی، ادبیات پایداری، زندگی‌نامه بشری البستانی و طاهره صفارزاده پرداخته شده و سپس نمونه‌هایی از شواهد شعری مربوط به تشبیه و استعاره و کنایه در اشعار این دو شاعر استخراج شد و مشخص گردید که این دو شاعر از سه فن مذکور برای بیان مفاهیم مربوط به پایداری و مقاومت و سایر مؤلفه‌های مطرح در ادبیات تطبیقی استفاده کرده‌اند.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی صورخیال در اشعار بشری البستانی و طاهره صفارزاده.
۲. بررسی رابطه فرهنگ و ادبیات پایداری در اشعار بشری البستانی و طاهره صفارزاده.

سؤالات پژوهش:

۱. صور خیال چه جایگاهی در اشعار بشری البستانی و طاهره صفارزاده دارد؟
۲. رابطه فرهنگ و ادبیات پایداری در اشعار بشری البستانی و طاهره صفارزاده چگونه است؟

کلیدواژه‌ها: ادبیات تطبیقی، ادبیات پایداری، صور خیال، بشری البستانی، طاهره صفارزاده.

مقدمه

شعر دوران انقلاب و جنگ تحمیلی، از دوره‌های پر افتخار شعر فارسی به‌شمار می‌رود. مقاومت مردم انقلابی ایران و ایثارگری‌های رزمندگان هشت سال دفاع مقدس مضمون شعر شاعران متعهد قرار گرفته است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان بهترین اشعار حماسی را در سروده‌های این دوره جست‌وجو کرد. این امر در مورد شعر عراقی نیز کاملاً صدق می‌کند و شاعران آن دیار نیز به‌خوبی از اوضاع خفقان‌بار حاکم بر جامعه خود استفاده کردند و به انعکاس مضامین مقاومت در شعر پرداختند. ادبیات مقاومت بیانگر خواسته‌های گروهی و آرمان‌های وطن می‌باشد.

ادبیات به‌عنوان یک فعالیت ذهنی اساسی نقش مهمی در شکل‌گیری شهروندان آگاه و دموکراتیک ایفا می‌کند. این فعالیت به افراد کمک می‌کند تا با واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی خود آشنا شوند و به نقد و بررسی آن بپردازند. در واقع، ادبیات می‌تواند به تقویت هویت فرهنگی و اجتماعی کمک کند و زمینه‌ساز گفت‌وگوهای اجتماعی شود. در رابطه با تأثیر و تأثر میان فرهنگ و ادبیات باید گفت ادبیات و فرهنگ دو عنصر اساسی در شکل‌گیری هویت انسانی و اجتماعی هستند که تأثیرات متقابل و عمیقی بر یکدیگر دارند. فرهنگ به‌عنوان یک مجموعه از باورها، ارزش‌ها، آداب‌ورسوم، به‌طور مستقیم بر ادبیات تأثیر می‌گذارد و ادبیات نیز نه‌تنها بازتاب‌دهنده فرهنگ یک جامعه است، بلکه به‌عنوان یک ابزار برای انتقال و ترویج آن نیز عمل می‌کند. آثار ادبی می‌توانند نشان‌دهنده ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی یک ملت باشند و به تفسیر و تحلیل این ویژگی‌ها کمک کنند. ادبیات تطبیقی با رویکرد، تأثیر و تأثرهای متقابلی که فرهنگ و ادبیات ملل مختلف بر یکدیگر داشته‌اند، میزان تأثیر و تأثر ادبیات عربی و فارسی از همدیگر، امری است که بر هیچ محقق کاوشگری در عرصه ادبیات فارسی و عربی پوشیده نیست. در همین راستا، نام دو شاعر خوش ذوق فارسی و عربی، طاهره صفارزاده «شاعر معاصر ایرانی» و بشری البستانی «شاعر مقاومت عراقی» در شعر معاصر عربی می‌درخشد؛ شاعرانی که در مجموعه‌های شعری خود به مفهوم مقاومت سرزمین‌شان توجه زیادی داشته‌اند و همواره با رویکرد آگاهی‌بخشی به ملت، دفاع در برابر مظلوم، استعمارستیزی، آزادی‌خواهی، بیداری اسلامی، عدالت‌جویی، ظلم‌ستیزی، ملی‌گرایی در راه مرزوبوم خویش به رسالت شعری خویش پایبند بوده‌اند و با عناصر تصویرگری شعری بدان مفاهیم پایداری رنگ و لعاب تازه‌ای داده‌اند. در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی و تحلیل محتوای کیفی و بهره‌مندی از منابع کتابخانه‌ای، پس از اشاره به پیوندهای ادبی و فرهنگی نزد زنان ایران و عراق، بارزترین صور بلاغی در اشعار مقاومت این دو شاعر ذکر و بررسی شده است.

از آنجاکه این پژوهش به‌دنبال بررسی اشعار مقاومت بشری البستانی و طاهره صفارزاده است، ضروری می‌نماید به ذکر پژوهش‌هایی پرداخته شود که حول زندگی یا اشعار هریک از این دو شاعر پرداخته‌اند که مهم‌ترین این مقالات عبارت‌اند از: کاظمی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بازتاب ادبیات پایداری در شعر شاعران معاصر با تأکید بر شعر خانم طاهره صفارزاده، سپیده کاشانی و سیمین دخت وحیدی»، به بررسی موضوعی با این محوریت پرداخته است. زارعی (۱۳۹۳) در مقاله «انقلاب در شعر طاهره صفارزاده»، به بررسی این موضوع پرداخته است. او بر آن است که استبداد، فساد سران حکومت و غرب‌زدگی و جامعه دور از مضامین دینی و فقر سه جلوه بحران سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی که در شعر صفارزاده به تصویر کشیده می‌شوند. گسست از مبانی اسلامی و حقانیت مذهبی، تبعیض و استعمار را می‌توان علت نابسامانی دانست. در مقابل این بحران‌ها وی از آرمان‌هایش سخن گفت و در مقابل استبداد، آزادی، در مقابل فقر و تبعیض، عدالت و در مقابل باطل و جامعه‌ای عاری از مضامین دینی، حق و حکومتی بر مبنای اسلام را آرزو کرد. برای تحقق این آرمان‌ها نیز به تغییرات اساسی به شیوه انقلابی معتقد بود.

اصلائی و کهوری (۱۳۹۵) در «مظاهر ادب المقاومة فی شعر بشری البستانی» چنین نتیجه گرفتند که این شاعر در آثار وزین خود ارزش‌های بیانی و زیبایی‌شناختی والایی در گستره ادبیات پایداری و ادبیات عرب برجای نهاده است. بستانی در هیاهوی «صدای گلوله و مواد منفجره» به دردهای امت خویش پرداخته تا وجدان خفته مردم خویش را بیدار و آن‌ها را به رهاکردن ترس و درنوردیدن مشکلات در رویارویی با دشمن تشویق کند. بستانی در اعماق مسائل ملت عربی فرو می‌رود و زخم خود را با زخم سرزمین مادری و ملت عربی درهم می‌آمیزد تا بیانگر عشقی به آن‌ها باشد، که بر خواننده آشکار و ممزوج با درد، آرزو و خوش‌بینی به وطن و امت عربی است. غنی‌پور و خلیلی (۱۳۹۱) در مقاله «تحلیل مؤلفه‌های ادبیات پایداری در اشعار طاهره صفارزاده» به بررسی موضوع پایداری در شعار طاهره صفارزاده پرداخته است. پژوهش آخر نیز مقاله «واکاوی مسئله زن در گفتمان شعری بشری البستانی» نوشته عزت‌ملاابراهیمی و حسین الیاسی چاپ شده در نشریه زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان) است. نویسندگان در این مقاله به این نتیجه رسیدند که بشری بستانی در آثار شعری خود به موضوع زن به‌منزله ساختاری قومی - تمدنی پرداخته است. وی در شعر خویش به دفاع از حقوق زن پرداخت و با وام‌گیری از بزرگانی چون جبران و ابن‌عربی و دیگران و با رد مردسالاری و مرگ فرهنگی اجتماعی زن، بر ایجاد توازن بین زن و مرد و رساندن جامعه به رشد و پیشرفت از این طریق همت گمارد. بشری در گفتمان خویش برای بیان ایدئولوژی‌هایش زبانی آمیخته به سنت را به‌کار گرفت و با استفاده از واژگان نقش‌گرا و تصاویر فنی در پی تغییر بود. همان‌طور که مشاهده می‌شود در هیچ یک از پژوهش‌های مذکور، نویسندگان به بررسی تطبیقی صور بلاغی در اشعار مقاومت بشری البستانی و طاهره صفارزاده نپرداخته‌اند.

نتیجه‌گیری

تأثیر فرهنگ بر ادبیات به دلالت‌های معرفت‌شناختی نیز مربوط می‌شود. به این معنا که ادبیات می‌تواند به درک عمیق‌تری از فرهنگ کمک کند و برعکس، فرهنگ می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری مضامین و سبک‌های ادبی خاص باشد. ادبیات نیز به‌نوبه خود تأثیرات عمیقی بر فرهنگ دارد. این تأثیرات می‌توانند شامل تغییر در نگرش‌ها، ارزش‌ها و حتی رفتارهای اجتماعی باشند. ادبیات می‌تواند به‌عنوان یک وسیله انتقادی عمل کند و به چالش کشیدن نهادها و باورهای فرهنگی کمک کند. به این ترتیب، ادبیات می‌تواند به تحول و پیشرفت فرهنگی منجر شود و در یک کلام رابطه بین ادبیات و فرهنگ یک رابطه پویا و متقابل است که به شکل‌گیری و تحول هر دو حوزه کمک می‌کند. پس از بررسی دیوان شعری بشری البستانی و طاهره صفارزاده مشخص شد که این دو شاعر بخش عظیمی از اشعار خود را پیرامون مفهوم مقاومت و مؤلفه‌های مربوط به آن سروده‌اند و از فنون علم بیان نیز در این روند کمک گرفته‌اند. مهم‌ترین فنون بیانی مورد استفاده این دو شاعر در بیان مفهوم پایداری و مقاومت می‌توان صور بلاغی مرکب یعنی تشبیه و استعاره و کنایه اشاره کرد. از میان تشبیه‌ها، تشبیه بلیغ به‌دلیل بار تأکیدی فراوان، بیشترین بسامد را در اشعار آن‌ها دارد و از میان استعاره‌ها، استعاره‌ی مصرّحه به‌دلیل صراحت و نیاز دو شاعره بیان اعمال ظالمانه دشمن و پرده‌برداشتن از اوضاع خفقان‌بار جامعه در شعر این دو شاعر پرکاربردتر است. همچنین فن کنایه نیز بسیار مورد توجه دو شاعر بوده است؛ به‌طوری‌که هر دو با استفاده از این فن به خلق صور بلاغی نیکویی پرداختند و همچون تشبیه و استعاره، از فن کنایه نیز در جهت بیان مفاهیم مرتبط با ادبیات مقاومت استفاده کردند تا با تأکید بیشتری مردم را به تلاش برای مبارزه با دشمن و رسیدن به آزادی تشویق کنند.

منابع و مأخذ:

- البستانی، بشری. (۲۰۰۱م). ما ترکته الريح. دمشق: منشورات اتحاد الکتاب العرب.
- _____، _____ (۲۰۰۲م). مکابدات الشجر. بغداد: وزارة الثقافة.
- _____، _____ (۲۰۱۱م). الأعمال الكاملة لبشری البستانی. بغداد: منشورات جامعة موصل.
- _____، _____ (۲۰۱۲م). خماسية المحنة. عمان: دارالنشر.
- تجليل، جليل. (۱۳۶۹). بيان در شعر فارسی. تهران: برگ.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغتنامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رفیعی، محمدعلی. (۱۳۸۶). بيدارگری در علم و هنر. شناخت نامه طاهره صفارزاده. تهران: انتشارات هنر بيداری.
- سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۰). نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس. دوره ۳ جلدی، تهران: انتشارات پالیزان.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۷). بیان. تهران: نشر میترا.
- صفارزاده، طاهره. (۱۳۵۷). حرکت و دیروز. تهران: انتشارات رواق.
- _____، _____ (۱۳۸۴). روشنگران راه، تهران: انتشارات برگ زیتون.
- _____، _____ (۱۳۸۷). طنین بيداری. تهران: نشر نگاه.
- غنیمی هلال، محمد. (۱۳۷۵). ادبیات تطبیقی. ترجمه: سید مرتضی آیت الله زاده شیرازی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فتوحی، محمود. (۱۳۹۰). سبک شناسی (نظریه ها، رویکردها و روش ها). تهران: سخن.
- کاکایی، عبدالجبار. (۱۳۸۰). بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان. تهران: انتشارات پالیزان.
- کزازی، جلال الدین. (۱۳۶۸). زیبایی شناسی سخن پارسی (۱). تهران: نشر مرکز.
- ولک، رنه؛ آوستن، وارن. (۱۳۷۳). نظریه ادبیات. ترجمه: ضیاء الدین موحد و پرویز مهاجر، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- همایی، جلال الدین. (۱۳۷۳). فنون بلاغت و صناعات ادبی. چاپ نهم، تهران: نشر فرهنگ.